

طرحهای حمایت از قیمت محصولات کشاورزی

هیوز هالت

ترجمه: سیاوش مریدی

در بیشتر کشورها دولت یا مقامات بازار به طور معمول و مستقیم و با تثبیت دامنه قیمتی حداقل و یا حداکثر از قیمت اغلب محصولات کشاورزی حمایت می‌کند. علاوه بر این، با [تدوین] طرحهایی که به منظور تثبیت (یا افزایش) درآمد کشاورزان، ایجاد تحول در شرایط عرضه و تقاضا، یا گسترش استفاده از سلف فروشی به منظور کاهش ریسک، می‌توان از قیمت محصولات مزبور حمایت کرد. برآوردهای جاری نشان می‌دهد که قیمت محصولات در منطقه سازمان همکاری اقتصادی اروپا به میزان ۷۰ درصد و در کشورهای در حال توسعه حدود ۱۰ درصد بالاتر از سطحی است که حمایت‌های مزبور برداشته شود؛ و در نتیجه درآمدها نیز احتمالاً ۱۰ درصد پایینتر است.

فراگیرترین طرحهای حمایتی عبارت است از سیاست مشترک کشاورزی اروپا و برنامه حمایت از کشاورزان دولت امریکا. ولی دامنه حمایت از قیمتها در بخش کشاورزی فراگیر است، و به کالاهایی که در سطح بین‌المللی مبادله می‌شود (مانند قهوه، کاکائو، شکر، و لاستیک) و همچنین به مسئله تثبیت نرخ ارز (مانند مکانیسم نرخ ارز در اروپا) هم تسری پیدا می‌کند.

گیلبرت اطلاعات ریزی در باره کارکرد عملی این طرحها برای کالاهایی که در سطح بین‌المللی مبادله می‌شود، به دست داده است؛ علاوه بر آن، جوزلینگ در باره طرحهای داخلی حمایت از کشاورزی اطلاعات گسترده‌ای داده است؛ و منابع مندرج در اثر لایس اطلاعات گسترده‌ای از بازارهای کشاورزی خاص به دست می‌دهد.

انگیزه‌های متنوع و گسترده‌ای برای حمایت از قیمت کشاورزی می‌توان برشمرد. کشاورزان برای طرحهایی اصرار می‌ورزند که در قالب آنها قیمت تولیدکنندگان بالاتر و یا درآمدها ثبات بیشتری داشته باشند و موجب تجدید توزیع منابع به سود تولیدکنندگان شود. نکته اساسی‌تر آن است که کشاورزان و دولتها (بویژه در جاهایی که عوامل اصلی مختل‌کننده (مانند بیماریها، آب و هوا، و نوسان در تقاضای خارج) از کنترل آنها خارج است، گرایش به این استدلال دارند که بالارفتن قیمت و افزایش درآمدها، مسئله اصلی است. افزایش قیمتها و بی‌ثباتی شدید آن بطور مشخص بازدارنده تولید و محدودکننده سرمایه‌گذاری است و به طور کلی به کاهش کارایی در بخش کشاورزی می‌انجامد. انگیزه‌های اصلی را می‌توان چنین برشمرد: افزایش یا تثبیت درآمد کشاورزان، کاهش نوسان قیمتها، پرهیز از قیمتهای نازل، افزایش میانگین قیمتها، توزیع مجدد بین بخشها یا مناطق اقتصادی، تثبیت درآمد صادراتی (درآمد ارزی)، بهبود کارکرد بازار یا تضمین گسترده‌تر عرضه.

این گنگی در هدفها به آسانی می‌تواند در هدفهایی که فرد امید دستیابی به آنها را دارد در سطح قیمتهای حمایتی ابهاماتی بوجود آورد. شک نیست که کارکرد ضعیف بسیاری از

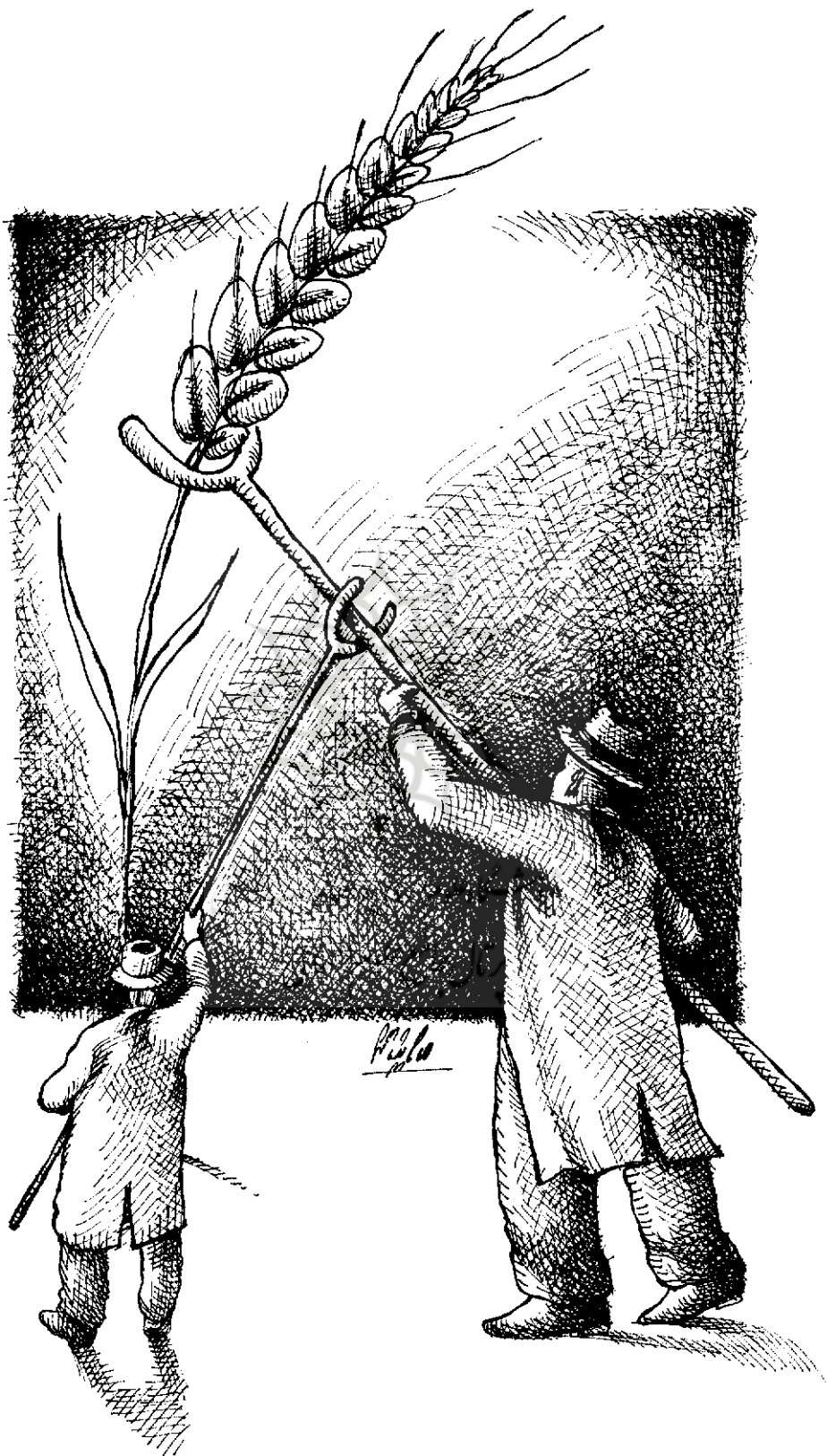
طرحهای حمایت از قیمت ...

طرحهای حمایتی کشاورزی - و گرایش قیمتهای حمایتی به افزایش توأمان با هزینه مالیات دهندگان و مصرف‌کنندگان، گسترش ذخیره‌سازی و دیگر ناکاراییهای بازار - از ابهام در این مسئله سرچشمه می‌گیرد که چه هدفهایی به طور واقعی قابل دسترس است و چگونه باید قیمتهای حمایتی مناسب در چارچوب بازار برآورد کرد.

آیا در واقع قیمتهای حمایتی توجیه‌پذیر است؟ بر طبق نتیجه پذیرفته شده در اقتصاد رفاه در شرایط کلاسیک، رقابت کاملاً آزاد به تخصیص بهینه کالاها یا درآمد می‌انجامد که در قالب آن رفاه هر فرد تنها با کاهش رفاه دیگران درخور افزایش خواهد بود، لیکن این شرایط ویژه ممکن است حاکم نباشد، و در این صورت، حاصل آن نیز به دست نخواهد آمد و دخالت [دولت] می‌تواند توجیه پیدا کند. بازار بسیاری از کالاهایی که در سطح بین‌المللی مبادله می‌شود (مانند شکر، قهوه و چای) رقابتی و یا کارآمد نیست. و فرایند تولید وقفه زمانی طولانی دارد.

طرح دخالت در برخی بازارها (مانند بازار شکر) ممکن است منجر به رفتارهای غیررقابتی شود. ولی در بسیاری از بازارهای دیگر این نتیجه [یعنی تخصیص بهینه کالاها یا درآمد] بدست می‌آید زیرا در برخی از این بازارها (مانند بازار قهوه) تولیدکننده مسلط وجود دارد، و یا در برخی بازارها خریدار (هیئت خرید) یا (مانند بازار چای) چند دلال در آن فعالیت می‌کنند و بدین لحاظ قیمتها به طور منظم از هزینه نهایی تولید فاصله می‌گیرد و گویا بازتابی از آخرین اطلاعات در باره شرایط عرضه و تقاضا نیست. و در بسیاری بازارها شامل محصولات که در داخل کشور و بوسیله کشاورزان خرده‌پا معامله می‌شود، مجموعه کاملی از بازارهای نقدی و سلف فروشی وجود ندارد که بر پایه آن یک کشاورز بتواند درآمد انتظاری و رفاه خود را به حداکثر برساند، و یا تضمین لازم در برابر شوکهای ناگهانی و نوسان قیمتها به دست آورد.

سرانجام، کشاورزان خرده‌پا اغلب در حد کافی به اعتبارات دسترس ندارند و یا فقط می‌توانند با بهره‌ای بسیار بالا وام بگیرند این وضعیت در جریان نوسان قیمتها یا دوره‌های



طرحهای حمایت از قیمت ...

افزایش شدید قیمتها، توان آنها را برای سرمایه‌گذاری و تامین مخارج و درآمد خویش محدود می‌کند. هرگاه دولتها یا مقامات بازار به منظور تامین مالی طرحهای حمایت از قیمتها بتوانند به آسانی وام بگیرند، آن را می‌توان به عنوان راهی غیرمستقیم برای عرضه اعتبارات لازم تلقی کرد که شرایط را برای رفاه بهینه فراهم می‌آورد.

به هر حال، یکی از پیامدهای [سیاست] حمایت از قیمتها آن است که بازار را از واکنش باز می‌دارد چون کشاورزان به هنگام بالا بودن قیمتها انگیزه‌های لازم برای تولید بیشتر را ندارند در حالی که به هنگام پایین بودن قیمتها انگیزه‌های لازم برای تولید کمتر را از دست می‌دهند، و یا در برابر تغییر الگوی تقاضا واکنش نشان نمی‌دهند. [طبیعی است که] این وضعیت، افزایش هزینه مالیات دهندگان و کاهش بازدهی را در پی داشته باشد.

بنابراین نکته مهم آن است که به هنگام فاصله گرفتن قیمتها از هزینه‌های نهایی، چگونه کاهش کارایی در برابر ریسک و توزیع مجدد درآمد یا ثبات قیمتها تعادل پیدا کند. بسیاری از متون نظری به این مقوله تعادل مربوط می‌شود.

هر گاه [سیاست] دخالت توجیه شود و مجموعه‌ای از هدفها مورد توافق قرار گیرد، مشکل بعدی عبارت خواهد بود از تصمیمگیری در باره درجه حمایت از قیمتها و گزینش ابزارهای لازم. اگرچه امکان بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون وجود دارد، به طور معمول برای هر هدفی [خاص] گزینش اولویت دار واحدی وجود دارد که بر پایه کارایی نسبی جهت دستیابی به نتیجه مورد نظر و هزینه انجام آن کار استوار است.

جدول شماره یک خلاصه‌ای از بیشتر این گزینشهای کلی را نشان می‌دهد؛ گوش و همکاران دلایل زمینه ساز این گزینشها را بازنگری کرده‌اند.

دو گزینش نخست در جدول، به طور کامل در چارچوب بازار کار می‌کند؛ دو گزینش بعدی هم اگرچه در همان چارچوب کار می‌کند ولی در ساختار بازار اصلاحاتی به عمل می‌آورد. [و سرانجام] دو گزینش پایانی با تحمیل تابع جدید عرضه، بازار را زیرپا می‌گذارد.

جدول شماره ۱

هدف	وسیله
تثبیت قیمت‌ها	ذخایر متمرکز ضد نوسان
تثبیت درآمدها	ذخایر متمرکز و منطقه‌ای ضد نوسان یا معاملات زیانگیر/ قراردادهای سلف‌فروشی
افزایش قیمت‌ها/درآمدها	کارتل، تعرفه‌ها
توزیع مجدد درآمد	کارتل، یا مالیات بر پایه ارزش / سوبسید
پرهیز از قیمت‌های نازل	کنترل عرضه (سه‌میه‌بندی تولید)
تثبیت درآمد صادراتی	تدارک مالی جبرانی / کنترل صادراتی

مشکل عملی مربوط می‌شود به چگونگی تثبیت سطح (یا سطوح) حمایت از قیمت‌ها، و تصمیم‌گیری در باره شکل دقیق قوانین حمایتی [سیاست] دخالت. قیمت‌های حمایتی را می‌توان به صورت قیمت تضمین حداقل (یا کف)، یا قیمت حداکثر (یا سقف)، و یا ترکیبی از این دو به منظور تدارک دامنه قیمتی تضمین شده تعریف کرد. از سوی دیگر، قیمت‌های حمایتی را می‌توان بر پایه سطح قیمت‌های هدف، با تعیین حداقل و حداکثری برای نوسان آن نیز تعریف کرد. در حالت نخست، سیاست دخالت به منظور حفظ قیمت‌های معاملاتی در سطح حداقل تضمین شده طراحی می‌شود مگر آنکه قیمت‌های بازار بیش از آن باشد که در این صورت ضرورتی برای دخالت وجود ندارد؛ یا سیاست مزبور برای حفظ قیمت‌های معاملاتی در سطح حداکثر قیمت تضمین شده تدوین می‌شود مشروط بر آنکه قیمت‌های بازار از آن سطح بالاتر باشد (زیرا در در غیر این صورت ضرورتی برای دخالت وجود ندارد)؛ و با اگر قیمت بازار به خارج از دامنه مجاز انتقال یابد سیاست دخالت به نحوی طراحی می‌شود که قیمت معاملاتی را در حدی نزدیک به مرزهای [دامنه نوسان] حفظ کند. نمونه‌هایی از

طرحهای حمایت از قیمت ...

این نوع عبارت است از: خرید و فروش محصولات ذخیره شده برای جلوگیری از کاهش قیمتها در حدی پایینتر از قیمت کف و یا افزایش آن به حدی بیش از قیمت سقف، بستن قرارداد سلف خری که قیمت حداقل خرید و قیمت حداکثر فروش را برای کشاورز و مصرفکننده تضمین می‌کند. روشن است که در روش نخست فرض بر آن است که ذخایر کافی در دسترس است و امکان مالی برای خرید ذخایر وجود دارد؛ دو روش بعدی برآوردهایی از کارکرد عرضه و تقاضای بازار را می‌طلبند. طرحهای حمایتی سهمیه بندی مشکلات دیگری را هم در پی دارد که عبارت است از چگونگی نظارت بر طرح، چگونگی تنظیم سهمیه‌ها بین تولیدکنندگان، و چگونگی تشویق تولیدکنندگان برای پیوستن به طرح.

هرگاه قیمت به عنوان هدف برگزیده شود، سیاست دخالت دولت حفظ قیمت نزدیک نقطه‌ای که مورد هدف است را نشانه می‌گیرد تا به این طریق بهترین دستاورد (مانند قیمت‌های بالاتر، درآمد تثبیت شده، و غیره) را داشته باشد. در این حالت و حالت پیشین، فرایندی دو مرحله‌ای در پیش روی قرار می‌گیرد: نخست‌گزینه‌ش قیمت حمایتی مورد نیاز به منظور رسیدن به هدفهای اصلی طرح؛ و دوم‌گزینه قانونی برای دخالت که قیمت‌های مزبور را حفظ کند و یا به آن نزدیک شود. در عمل دخالت به طراحی درست قوانین مربوط و [همچنین] فرایند بهنگام کردن قوانین مزبور (در واکنش نسبت به اطلاعات نو و اشتباهات گذشته) بستگی پیدا می‌کند. بدین ترتیب، این طرح همچنین به‌گزینه‌ش درست قیمت حمایتی و روش بازنگری آنها طی زمان هم بستگی پیدا می‌کند. بدین ترتیب این طرح همچنین به‌گزینه‌ش درست قیمت حمایتی و روش بازنگری آنها طی زمان هم بستگی پیدا خواهد کرد.

در این زمینه پیندیک، گوش و همکاران بحثهای فراگیری در باره روشهای دستیابی به بهترین قوانین برای دخالت را در آثار خود آورده‌اند. ... در عمل تثبیت قیمتها در بازار کاکائو و لاستیک طبیعی پیاده شده، در حالی که محدودیتهای تولیدی (صادراتی) برای بازار قهوه و شکر اعمال شده است. لیکن گسترده‌ترین برنامه تثبیت [قیمتها] به بازارهای سنتی کشاورزی اختصاص دارد، یعنی جاهایی که آمیزه‌ای از حمایت قیمتی و سهمیه‌بندی تولیدی به کار

گرفته می‌شود، مانند سیاست مشترک کشاورزی اروپا و سیاست کشاورزی ایالات متحد آمریکا. سرانجام، مسئله چگونگی تعیین سطح حمایت از قیمت‌ها مطرح می‌شود. در این زمینه چندین سؤال وجود دارد. آیا حمایت قیمتی باید بر پایه قیمت بازارهای خاص یا بر پایه قیمت شاخص تعیین شود؟ این قیمت حمایتی (یا قیمت هدف) در چه سطحی باید تعیین شود و چگونه آن را باید بهنگام کرد؟ دامنه دخالت در چه حدی باشد؟ آیا دخالت در دامنه‌ای خارج از دامنه حمایتی، اجباری باشد یا اختیاری؟ بسیاری از محصولات کشاورزی با کیفیتهای متفاوت و در بازارهای مختلف معامله می‌شود - و از این رو مشخص کردن یک شاخص قیمتی بارز برای مقاصد حمایتی ضرورت پیدا می‌کند. در شماری از طرحها به منظور پرهیز از واکنش در برابر رویدادهای ناپایدار، ضروری است که قیمت شاخص برای چند روز مشخص پیش از آغاز سیاست دخالت، به حدی پایینتر از دامنه حمایتی کاهش پیدا کند. اگر قرار باشد که طرح حمایتی پایدار بماند، یعنی برای تداوم فعالیت خود نیازی به افزایش روزافزون کمک مالی و یا دخالت گسترده‌تر نداشته باشد، قیمت هدف باید به گونه‌ای تعیین شود تا در مسیری حرکت کند که در درازمدت اضافه تقاضا برای آن محصول را در حد صفر تضمین کند. این کار مستلزم پیشبینی قیمت بازار در شرایط فقدان هرگونه دخالت است و به احتمال این ریسک را دارد که نتایج به دست آمده در برابر الگو و روشهای پیشبینی، یا تعاریف و مفروضات مربوط به عوامل بیرونی (مانند شرایط پولی، تغییرات نرخ ارز، تقاضای خارجی، سیاست دولت و غیره) مستعد تغییر باشد. در حقیقت، جاست و همکاران نشان می‌دهند که هرگاه متغیرهای تعیین کننده و پارامترهای الگو در حد زیادی تحت تأثیر عدم قطعیت قرار داشته باشد، سیاست دخالت که به منظور حمایت از چنین قیمت‌هایی طراحی شده است، در عمل به جای کاهش نوسانات درآمدی به افزایش قیمت‌ها و نوسان درآمد خواهد انجامید. در هر حال، مسیر پیشبینی شده قیمت‌ها احتمالاً باید هموار شود تا هرگونه جهش یا چرخشی از مسیر قیمت هدف از میان برداشته شود. از این رو، اهمیت دارد که در برابر هرگونه اطلاعات جدیدی در باره تحولات بازار، قیمت‌های حمایتی

پیوسته بازنگری و تعدیل شود.

علاوه بر این، مسیرهای قیمت حمایتی که از طریق پیشبینی بازار به دست می‌آید، دارای این نقصان منطقی است که [سیاست] دخالت را در نظر نمی‌گیرد تا پیشبینیهای لازم حاصل آید، و سپس همان پیشبینیها را برای تصمیمگیری در این مسئله به کار می‌گیرد که برای رسیدن به هدفها طرح چه دخالتهایی مورد نیاز است. در عوض ما نیاز به قیمتهای حمایتی داریم که با دخالتهای ضروری هماهنگ باشد، و دخالتها [هم] با قیمتهای حمایتی و موردنظر همساز باشد. به عبارت دیگر به طور مشترک در باره قیمتهای حمایتی و قوانین دخالت باید تصمیمگیری شود. این، نکته‌ای است که در متون مربوط کمتر به آن پرداخته شده است. گوش و همکاران مشکلاتی را نشان می‌دهند که در صورت فقدان تصمیمگیری، همزمان بروز خواهد کرد، و راهی برای تصمیمگیری همزمان در باره قیمتهای حمایتی و دخالت پیشنهاد می‌کنند (یعنی جایگزین قاعده تصمیمگیری برای قیمتها با روشی برای گزینش استراتژی‌های ذخایر ضدنوسان، معاملاتی برای جلوگیری از زیان یا سهمیه‌بندی تولید). این روش همچنین عناصری را در برمی‌گیرد که پیوسته قیمتهای هدف یا سهمیه‌های تولید را بهنگام و تعدیل می‌کند. به این ترتیب قیمتهای حمایتی می‌تواند به طور منظم در برابر روند تغییرات غیرقابل پیشبینی در سطح قیمتهای تعادلی، در برابر تغییرات عوامل دیگر مانند نرخ ارز، تورم، سیاست دولت، سلیقه‌ها و تکنولوژی، و همچنین به منظور تصحیح اشتباهات گذشته واکنش نشان دهند. قوانین ثابت که از بیرون اعمال می‌شود (مانند تعدیل بها) نمی‌تواند این [انعطاف] را داشته باشد و سرانجام با بی‌ثبات کردن بازار برنامه حمایتی را به شکست می‌کشاند. نادیده گرفتن این جنبه‌های موضوع، به احتمال موجب شده است تا بسیاری از طرحهای حمایتی به رغم موفقیت نسبی در زمینه انتقال منابع از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، پیوسته هزینه‌های بیشتری را به دولت تحمیل کند.

۱. این مقاله برگردان متن زیر است:

A.J. Hughes Hallett, Agricultural Price Support Scheme, in The New Palgrave Dictionary of Money and Finance Volume 1 , pp. 33-35 The Macmillan Press Ltd. 1992

2) *Anderson and Taylor (1990),*

3) *Gilbert (1987)*

4) *Josling (1981)*

5) *Labys (1987)*

6) *Hart (1975) , Just et al (1979)*

7) *Ghosh etal (1987)*

۸. ذخایر ضد نوسان (*Buffer Stock*): ذخایر یک کالا که برای تنظیم نوسانهای قیمت کالاهای اصلی نگهداری می شود. این طرحها ممکن است بین المللی باشد و به طور معمول هزینه های مالی و انبارداری را در پی دارد. ذخایر ضد نوسان بیشتر برای رویارویی با نوسانهای کوتاه مدت به کار گرفته می شود. به نقل از "فرهنگ اقتصادی"، تالیف سیاوش مریدی و علی رضا نوروزی.

۹) معامله برای جلوگیری از زیان (*Hedging*): "اقدام یک فروشنده یا خریدار برای حفظ درآمد خود در برابر افزایش قیمت های آینده. مثلاً هرگاه تولیدکننده ای از قیمت آینده ماده خام مورد نیاز خود مطمئن نباشد، ممکن است کالای مزبور را پیش خرید کند ... " به نقل از مأخذ پانویس شماره ۸.

10- *Pindyck (1978)*

11) *Ghosh et al (1987)*

12) *Just et al (1987)*

13) *Buffer Stock*

14) *Hedging*

15) *Ghosh et al (1987)*

16) *Indexation*

طرحهای حمایت از قیمت ...

منابع :

Anderson, K. and Tyers, R. 1990. How developing countries could gain from agricultural trade liberalisation in the Uruguay Round. In *Agricultural Liberalisation*, Cd.I. Goldin and O.Knudsen , Paris: OECD.

Ghosh, S., Gilbert, C.L. and Hughes Hallett, A.J. 1987. *Stabilising Speculative Commodity Markets*. Oxford: Oxford University Press.

Gilbert, C.L. 1985. Futures trading and the welfare evaluation of commodity price stabilisation. *Economic journal* 95:637-61.

Gillbert, C.L. 1987. International commodity agreements: design and performance. *World Development* 15:591-616.

Gillbert, C.L. 1991. Domestic price stabilisation policies: forward markets or marketing boards? Paris: OECD.

Hart, O.1975. On the optimality of equilibrium when the market structure is incomplete. *Journal of Economic Theory* 11:418-43

Hughes Hallett, A.J. 1986. Commodity market stabilisation and North -south income transfers. *Journal of Development Economics* 24:294-316

Hughes Hallett, A.J. 1991a. Stabilising commodity earnings when there is uncertainty about the price and production distributions.

Journal of Development Studies 27:26-38.

Houges Hallett, A.J. 1991b. Stabilising commodity market revenues: price stabilisation VS. production controls. Mimco, University of Strathclyde, Glasgow.

Hughes Hallets, A.J. and Ramanujam, P. 1991. Market Solutions to the problem of stabilising commodity earnings. In *Commodity, Futures and Financial Markets*, cd. I. Philips, Dordrecht and Boston: Kluwer.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی